

مهرپار

نشریه



اولین نشریه حوزه مهدویت دانشگاه اراک

هفته چهارم شهریور ماه ۱۴۰۰

سال دوم شماره بیست و هشتم



در این
شماره میخوانیم

غربت

کربلا

عهد نور

...

غربت

و غمی که از امروز بر عالم رنگ دیگری می بخشد. مصیبتی که از امروز آغاز می شود تا قیام قیامت درد و رنجش باقی است.

وقتی زمین و زمان، آدمیان و جنیان، همه موجودات بر این مظلومیت می گریند. تمام کربلا پر می شود از تفکر زینب (سلام الله). از عظمتی که در بانوی صبر و اسوه ایستادگی، تجلی کرده... اندیشه ای که قدم به قدم کربلا را گرفته. اینک زینب (س) تکثیر شده، در همه حق جویان و حق طلبانی که ایستادگی می کنند و علم حق را ثابت نگه می دارند. او جز زیبایی ندیده است.

مگر وصال و عشق بازی، اوج نیست؟! مگر حق گوئی و عدالت طلبی عروج نیست؟! مگر شهادت، آمال و آرزوی جوانمردان نیست؟! تاریخ می گوید و زینب روایت می کند. چطور با خون شهدای کربلا، دین ما حیات گرفته و اسلام ما رونق...

او می گوید و ما بعد از ۱۴۰۰ سال به چشم می بینیم چطور

قامت ایستاده بانوی بزرگواری در عین صبوری به ما درس زندگی و زنده بودن می دهد.

از عصر عاشورا تا به امروز پرچمی پابرجا مانده که از برای عدالت و احیای دین مبین، بلند شده است.

از ارباب و مولایی به ما رسیده که با اصول آن زندگی کرده و حیات بخشیده...

آقایی در سال ۶۱ هجری از همه دارایی اش گذشته تا تحقق هدف ها و آرمان های آن دین به سرانجام برسد.

تا ریشه های آن استوار و ثابت قدم بماند. و بانویی او را افراشته نگه می دارد تا همگان آن را نظاره کنند و در زیر سایه آن پناه جویند.

پناهگاهی که امن است امان برای هر هدایت خواه و حق طلبی!

لیلاجے



انتظار

انتظار از ریشه‌ی نَظَرَ به معنای چشم دوختن، نگاه کردن، نظر نمودن است و در ادبیات عرب به باب افتعال برده می‌شود، معنای تمام و کمال را می‌رساند؛ پس انتظار یعنی تمام قلب را بسوی مطلوب و یا محبوب و به قصد ادراک او متوجه ساختن و در این قلب جایی توجه به هیچ کس و هیچ چیز باقی نماند؛ همانند لحظه‌ایی که حضرت یوسف وارد مجلس مصریان شد و آنان به گونه‌ایی غرق تماشا و محو جمال آن حضرت شدند که از توجه به خود غافل شدند و دست هایشان را بریدند، عاشورا نیز تصویری زیبا و بی‌نظیر از این حال انتظار و توجه کامل به محبوب و عشق و اردات و اخلاص و دلدادگی نسبت به خلیفه الله و امام معصوم زمان را به دست می‌دهد.

در روایات متعدد راجع به یاران با وفای ابا عبدالله الحسین (ع) آمده است که هرچه با ظهر عاشورا نزدیک می‌شدند چنان غرق توجه به وجود مقدس امام حسین (ع) می‌شدند که درد تیر، نیزه و خنجر را احساس نمی‌کردند چرا که آنان به راستی منتظر الحسین (ع) بودند. انتظار یعنی تمام دل را به امام زمان دادن و عاشورا به تمام و کمال این معنا را به تصویر می‌کشد. یاران امام حسین (ع) برخلاف اکثر اهل زمانه خویش امام زمانشان را یاری نمودند و اصلی ترین درسی که از مکتب عاشورا می‌توان فراگرفت همین درس یاری رساندن به امام هر زمان و تاثیر مهمی است که شیعیان و یاوران ائمه (ع) در هر عصری بر سرنوشت بشریت داشته و دارند، و برجسته ترین ویژگی یاران امام حسین (ع) همین پایبندی آنان به عهد و پیمان خویش تا سرحد جان و دفاع از حجت خدا و امام عصر خویش تا مرز قطعه قطعه شدن و زیرسم اسب‌ها رفتن است.

قصور و تقصیر آن مردم نسبت به امام عصرشان فاجعه کربلا را رقم زد و اینک ما هستیم و امام عصر خویش امامی که هم اکنون هزار و صد و هفتاد سال از غیبتش می‌گذرد. امامی که زندانی غفلت و معصیت بشریت است. بیایید همچون حرّ شهامت عذرخواهی از امام زمانمان راداشته باشیم؛ آقا امام زمان (عج) کریم است، فرزند همان سیدالشهدا (ع) است، گذشته‌های ما را می‌بخشد. بیایید از اصحاب حضرت سیدالشهدا (ع) درس وفاداری، اخلاص و جان‌فشانی بیاموزیم و بر یاری امام زمانمان از آنان الگو بگیریم مثل مسلم بن عوسجه به هنگام شهادت در حالیکه غرق در خاک و خون بود و امام به همراه حبیب ابن مظاهر بر بالین وی حاضر بودند رو به حبیب کرد و گفت:

”اوصیک بهذا ان تموت دونه“ تو را سفارش می‌کنم به این آقا که جان نثارش باشی و تا جان داری او را رها نکنی...

آیا ما یکدیگر را به یاری امام زمانمان فرا می‌خوانیم؟
آیا ما راجع به امام عصر (ارواحنا فداه) به یکدیگر تذکر و هشدار می‌دهیم؟

و امروز ماییم و حسینی دیگر و هل من ناصری به وسعت زمین و کربلایی به وسعت جهان، آیا وقت آن نرسیده است که امام زمان خویش را یاری کنیم؟
کیست مهدی صاحب الزمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) را یاری کند؟!

شیعیان بس نیست غفلت هایمان؟!
غربت و تنهایی مولایمان؟!
مهدی زهرا حسینی دیگر است
آخرین معصوم نسل حیدر است
ای که از آن عبا دم میزنی
دم زمهدی پس چرا کم میزنی؟؟
شیعه بر این اعتقاد و باور است
هر کسی مهدی ندارد کافر است
آن که نشناسد امام خویش را
داده بر شیطان زمام خویش را

مهدی نیکخواه بهرامی



میهمان عزیز

را شناسایی نمود و او را به هلاکت رساند که این حرکت دلیرانه آقا حشمت باعث شد که آرایش نیروهای دشمن به هم بریزد و با دادن تلفات زیادی، عقب نشینی کند و باعث پیشروی رزمندگان اسلام گردید، که این خاطره و خاطره های دیگر شهید حشمت تا ابد بر پیشانی شلمچه خواهد درخشید!

هرگاه در کارون و دزفول و مجنون و سردشت و... بر می خواستیم و بستر خالی او را مشاهده می کردیم، می دیدیم کناری ایستاده بود و در پناه تاریکی و سکوت آن آرام نماز می خواند و نیایش می کرد و در سجده های طولانی اش حلاوت مناجات را می چشید. می فهمیدیم که او رفتنی است و به این دنیا تعلق ندارد...

وقتی در غروب جمعه متصل به شب عملیات نصر ۷، در ابهای سرد رودخانه سردشت غسل شهادت انجام داد، بر ما ثابت شد که او مهاجر است و جای او در این دنیا نیست...

و بالاخره چهاردهم مرداد ماه ۱۳۶۶ مصادف با عید قربان خبری همچون بمب در میان رزمندگان و اشنایان پیچید... و همه گیج و حیران و متحیر منتظر صحت و سقم این خبر بودند. فرمانده شجاع و سلحشور و خستگی ناپذیر سرنوشت نامعلومی پیدا کرده و جاوید الاثر شده است!

او روز قبل از عملیات نصر ۷ هنگامی که خبر می رسد گردان حمزه سید الشهداء شب اول وارد عمل نمی شود، نگران و بی قرار خود را به گردان های خط شکن می رساند... و با گردان خیبر از تیپ نبی اکرم (ص) وارد عملیات می شود و مثل عملیات های قبلی جلوتر از همه و با بچه های اطلاعات عملیات حرکت می کند و ضمن درگیری تن به تن با نیروهای بعثی موفق می شود با نارنجک، سنگر تیربار دوشکای دشمن را منهدم کند... که در ادامه نبرد تن به تن بعضی ها می گفتند که او را دیدیم که مجروح شده بود و داشت پیشروی می کرد و بعضی ها می گفتند که خیلی جلوتر از بقیه مجروح و شهید شده و خیلی ها می گفتند که مجروح شده ولی هیچ چیز مشخص نبود، نه شهادت، نه اسارت، فقط همین را گفتند که جاوید الاثر شده است...

و این هجران ۱۳ سال طول کشید تا اینکه مادر و یکی از بستگان نزدیک شهید خواب می بینند که آقا حشمت نجات پیدا کرده است و به زیارت امام رضا (ع) رفته است و موج خوشحالی و امیدواری... ولی چند روز بعد خبر رسید که کاروانی از شهدا قرار است از شلمچه به مشهدالرضا (ع) حرکت کند، لذا با این خبر دل توی دل ها نماند و خبر دادند که پیکر مطهر سردار سرافراز و فرمانده دلیر و عارف مخلص "آقا حشمت الله امینی" با کاروان شهدا از شلمچه به میثاق فرزند خمینی کبیر (ره) و رهبر و مولایمان حضرت آیت الله خامنه ای و زیارت حرم مطهر ثامن الحجج علی بن موسی الرضا (ع) می روند...

با این خبر دل ها آتش گرفت، چون آقا حشمت الله با کاروان خاصان، بعد از سال ها هجران، خونین بال به جمع دوستداران پیوستند...

در خانواده ای مذهبی قدم بر این کره خاکی نهاد و او را "حشمت نامیدند". هیچ کس نمی تونست حشمت و جلال و شکوه و عظمت و بزرگی روح و سلحشوری و یکه تازی او را در آن روز پیش بینی کند. از همان دوران نوجوانی، رفتار متین و علاقه اش به مسائل مذهبی و رعایت احکام اسلامی در بین همه زبان زد و مورد علاقه همگان بود. از همان دوران از رژیم طاغوت متنفر بود و علاقه شدیدی به حضرت امام (ره) و مبارزه با ظلم داشت. با برادران و خویشاوندان و دوستان انقلابی، در نشر پیام ها و نوارهای سخنرانی امام (ره) و تظاهرات انقلابی بر علیه رژیم ستم شاهی فعالانه شرکت داشت.

در دوران تحصیل نمونه یک دانش آموز ممتاز و درس خوان و مومن و مخلص بود. در نمازهای جمعه و جماعات و مراسم دعاها فعالانه شرکت می کرد و همه به عنوان یک الگو به او و حرف ها و عملش اعتقاد داشتند. با شروع جنگ تحمیلی به جبهه اعزام شد و با توجه به اینکه تحصیلات دبیرستانی را با معدل ممتاز تمام کردند و در دانشگاه به عنوان دانشجوی ممتاز در رشته شیمی پذیرفته شدند، ولی دفاع مقدس با فرماندهی حضرت امام خمینی (ره) را در اولویت قرار دادند و از همان آغاز حضور در جبهه به عنوان یک فرمانده لایق شناخته شد و در کنار رزمندگان دیگر، حماسه ها خلق نمود.

او عارفی به تمام معنا بود، از این دنیا رها شده بود و دنیا را همچون پلی برای رسیدن به خانه ابدی و قرارگاه همیشگی آخرت می یافت. برای دعاها توسل، کمیل، عاشورا و ذکر مصائب اهل بیت (علیهم السلام) اهمیت خاصی قائل بود و بر خواندن دعای عهد در هر صبح تاکید و اصرار داشت. به زیارت ائمه اطهار (ع) عشق و علاقه عجیبی داشت. دائم الوضو و دائم الذکر بود. کم می خندید و با وقار و متانت بود. شوخی می کرد اما جایی که باید جدی باشد، بسیار جدی بود. از غیبت به شدت دوری می جست و کسی جلوی او نمی توانست غیبت کند. با قرآن مانوس بود و همیشه مفاتیح کوچکی همراهش بود.

در عملیات های بدر، نصر، فتح، قادر، ظفر، شلمچه، عاشورا، والفجرها، کربلاها و... در ارتفاعات سر به فلک کشیده غرب و رمل های سوزان جنوب و ابهای نیلگون دزفول، کارون، کرخه، اروند، سیروان، شط العرب، خلیج فارس و هورهای جزیره مجنون، جزیره مینو، ام القصر، ام الرصاص، ام الطویل، بصره، فاو و... شرکت موثر داشت.

در والفجر ۹ مجروح شد ولی همچنان به رزم بی نظیر خود ادامه داد. وقتی در شلمچه او را در حاله ای از نور کنار خاکریز به دعا و ناله و زاری دیدیم، لحظات گریه های عاشقانه اش ما را به تضرع واداشت. در عملیات کربلای ۵ با اینکه خواهرزاده اش (شهید بلال "علی اشرف" سلیمانی) در فاصله یکی دو قدمی او، جلوی چشمش مورد اصابت گلوله مستقیم دشمن قرار گرفت و به شهادت رسید، ثابت قدم و استوار به رزم خود ادامه داد.

وقتی در کربلای ۵ در نهر جاسم، آتش پاتک دشمن، رزمندگان عمل کننده تیپ نبی اکرم (ص) و لشکر نصر خراسان را زمین گیر کرده بود، شهید امینی، تنهایی از کانال و خاکریز خارج شد و شجاعانه و ماهرانه به دل دشمن زد و فرمانده عالی نیروهای بعثی

عهد نور

دعا ما دوست داریم علاوه بر روح، جسم حضرت را هم مشاهده کنیم.

اکنون که ایشان در قلب ماست و با روح آن حضرت آشنایی داریم، ولی می‌خواهیم جسم آن حضرت را هم زیارت کنیم. و در قسمت های بعدی دعا از فسادی که مردم دچارش هستند سخن می‌گویند. آقا شما تشریف دارید اینجا دارند خراب کاری می‌کنند و کتاب خدا را لگد مال می‌کنند، چقدر دل شما خون است!

(لا یظفر بشیء... و یحققه) در این قسمت هم که در دعا می‌گوید حضرت باطل را نابود می‌کند و حق را ثابت و محفوظ نگه می‌دارد، باید ابزار ایشان باشد برای تحقق این عمل، بی ابزار سالم که حضرت نمی‌آیند، از بین ما باید مالک اشترها و عمارها و یاسرها و سلمانها درست شود. علت اینکه حضرت نمی‌آیند به خاطر ماست. ما باید درست شویم تا حضرت بیایند و مجدد لما... احکام کتابک) به خیلی از احکام قرآن عمل نمی‌شود و خیلی از آنها تغییر کرده. روایاتی ضد نص قرآن آورده شده و استفاده می‌شود. در آخر هم وضع شدت و سختی مومنین بیان می‌شود و دعاهایی خالصانه و از عمق جان و اینکه خداوند در فرج تعجیل بفرماید و از مخالفین این امر هم حتی در دعا سخن به میان آمده... العجل العجل یا مولای یا صاحب الزمان ...

*تفسیر دعاها متعدد است با دیدگاه های متنوع بیان شده و هر کدام جنبه ای را مورد نظر قرار دادند، منابع در مورد مطالعه و شرح و تفسیر دعا، مراجعه شود به: تفسیر دعای عهد (آیت الله صادقی تهرانی)، شرح دعای عهد (امامت و مهدویت) {آیت الله تحریری}، شرح دعای عهد و عشق به امام زمان {حاج آقا قرائتی}، شرح دعای عهد {استاد رائفی پور}.

زهراکارچانه

می‌دانیم که هر قسمت دعا با توجه به توضیحاتی که داده شد تفسیرهای زیادی دارد، و ممکن است توضیحات متعدد درباره یک دعا به اندازه یک کتاب جا بخواند. اینجا ما به صورت مختصر به ادامه دعا اشاره خواهیم کرد: از این قسمت دعا (اللهم انی اسئلك بوجهک الکریم یا حی لا الله الا انت) چنین بر می‌آید که ما خدا را به ذات و ویژگیهای ایجابی قسم می‌دهیم، که قسم بزرگ‌گیت. (اللهم بلغ مولانا و احاط به کتابه) ما صلواتها و درودهایی را نثار آن حضرت می‌کنیم که شامل مومنان و پدر و مادر است. وقتی در دعا سلام میکند از طرف همه سلام میکند، که حتی به وزن عرش خداست که پیشتر درباره اش توضیح داده شد. در این قسمت دعا که از سلام شروع شد و به عشق او رسید علاقه های متعدد با کیفیت های متنوع بیان میشود که علاقه ی ویژه ای است، اول از همه یک علاقه‌ی جمعی است. علاقه ی بی مرز "از مشرق تا مغرب"، علاقه بدون شرط "از زنده سلام، از مرده سلام، شرطش حیات هم نیست" علاقه‌ی بدون تاریخ، علاقه‌ی بی حساب، علاقه تازه به تازه که کهنه نمی‌شود "در همه روزها"، "علاقه رو به رشد" اول عهد می‌کنیم و بعد عقد که به معنای گره است و بالاتر از گره که همان بیعت است "علاقه حتمی آنجایی که می‌گوید به گردن من است و همچنین علاقه افتخار آمیز. (اللهم انی اجدد له المستشهدین بین یدیه) در این قسمت دعا ما کیفیت و چگونگی یاری خودمان از حضرت را بیان می‌کنیم...

(اللهم ان حال بینی و بینة الموت فی الحاضر والبادی) در این قسمت دعا اشتیاق منتظر را حتی بعد از مرگ برای دیدار و یاری امام زمان (عج) می‌رساند و همچنین درباره رجعت توضیح می‌دهد که البته عده ای هستند، ولی بودن دلیل نمی‌شود، به این خاطر از رجعت سخن به میان آمده.

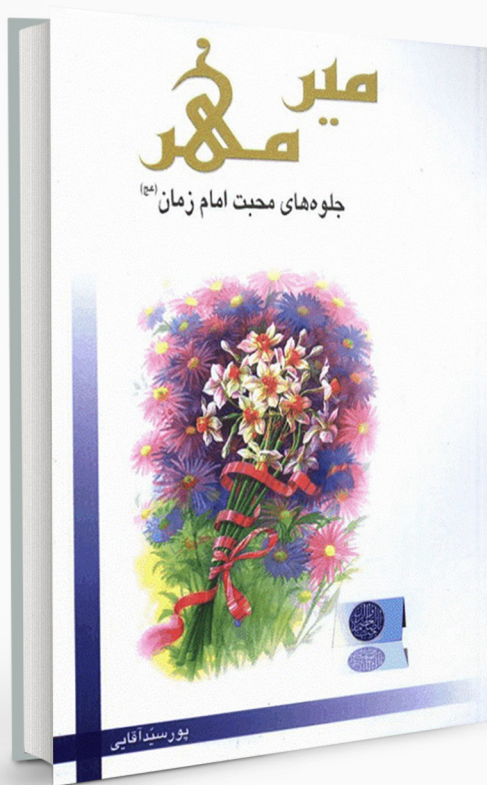
(اللهم ارنی الطلعه بنظره منی الیه) دیدن جسم او مطلبی نیست، ابوجهل ها و ابولهب ها و ابوسفیان ها، پیغمبر را هر روز میدیدند... گاهی نه جسم را میبینند و نه روح را، که میشود اسفل السافلین، گاهی روح را می‌بینند و نه جسم را؛ اویس قرن که یمنی بود جسم پیغمبر را ندید ولی روح او را در خواب دید، که در غیاب حضرت با او آشنایی داشت، در این قسمت

کتاب باز

کتاب "میر مهر" حجت الاسلام سید مسعود پورسیدآقایی، نویسنده ی کتاب، عضو شورای واحد پژوهش و نگارش فیلم نامه در مرکز پژوهش های اسلامی صدا و سیما و از مسئولین بنیاد حضرت مهدی میباشند.

در مقدمه ی کتاب اینگونه آمده: امام عصر (عج) تجلی رحمت واسعه ی حق است. باید نموده ها و جلوه های محبت و مهر او را به همه ی انسانها، به ویژه دوستداران آن امام نشان داد. بررسی این نمونه ها، در شرایط امروز و برای انسان خسته ی معاصر، از اهمیت مضاعفی برخوردار است؛ چه این که بسیاری، به جای مهر، بر قهر آن امام هماف تاکید ورزیده اند. در بخش اول کتاب، به برخی از جلوه های محبت امام، مثل: غمخواری، دعا، عیادت و ... پرداخته شده و بخش دوم کتاب، مواردی از تشرفات به محضر امام ذکر شده است.

فاطمه زهرا ابراهیمه



عاشورا

مهدی عجل الله تعالی فرجه، ادامه حسین علیه السلام است و انتظار، ادامه عاشورا و بر آمده از آن.

مهدی عجل الله تعالی فرجه، فرزند حسین علیه السلام است و فرهنگ انتظار، برآمده از فرهنگ عاشورا و انتظار حسین دیگری را کشیدن. این دو پیوندی دیرین و مستحکم با هم دارند. یکی پشتوانه فرهنگی و زمینه ساز برای دیگری است، یکی رمز قیام و به پا خاستن شیعه است و دیگری، عامل حفظ و استمرار آن. عاشورا،

دریچه ای به انتظار است و انتظار، تجلی آرزوها و آمال کربلا.

انتظار، ثمره کربلاست. بدون کربلا، انتظار بی معناست. یاران مهدی، همه کربلائیند و در فراز و فرود تاریخ، غربال شده و آب دیده اند. مگر می توان بی عاشورا، انتظار داشت؟ انتظار بی عاشورا، انتظار بی پشتوانه است.

انتظار و عاشورا، دو بال پرواز شیعه اند؛ اگر این دو نبودند، چشمه ی غدیر هم می خشکید.

پیوند فرهنگ عاشورا و انتظار، دلایل و شواهد متعددی دارد. ما در این نوشته ضمن بیان آنها، به تحلیل و رهیافت های برخاسته از آنها خواهیم پرداخت:

حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه، فرزند حسین علیه السلام است و خون خواه امام حسین علیه السلام. اولین کلام امام عصر عجل الله تعالی فرجه، یاد جدها حسین بن علی علیه السلام است. شعار یاوران قائم آل محمد عجل الله تعالی فرجه، یالثارات الحسین است. یاری اباعبدالله علیه السلام، یاری حجت بن الحسن العسکری علیه السلام است. آن دو بزرگوار دارای لقبهای مشترکی هستند، نظیر: ثارالله، غریب، رانده شده و زیارت عاشورا از خونخواهی امام حسین علیه السلام در رکاب مهدی خبر می دهد. مطابق روایات، در روز عاشورا و میلاد امام حسین علیه السلام، باید به یاد حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه بود و در روز میلاد امام زمان عجل الله تعالی فرجه و شب قدر با زیارت امام حسین علیه السلام به یاد اباعبدالله علیه السلام. روز ظهور قائم آل محمد (ص)، عاشورا است. به زیارت امام حسین علیه السلام و زیارت صاحب الامر علیه السلام در اعیاد اسلامی توصیه شده است.

شهر کوفه، پایگاه مشترک این دو امام معصوم است. امام عصر علیه السلام به قرائت زیارت عاشورا و زنده نگهداشتن یاد عاشورا عنایت دارند. هر دو امام علیه السلام با بیعت نکردن با طاغوت به اصلاح گری می پردازند. بالاخره در روایات، آرزوی شهادت در رکاب این دو امام علیه السلام برای شیعیان، تحسین شده است.

عاشورا، پشتوانه فرهنگی انتظار است و منتظران مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه، پرورش یافته مکتب عاشورا هستند. نقش زنان در قیام امام حسین علیه السلام و امام مهدی عجل الله تعالی فرجه بسیار پر رنگ است.

رهیافت ها:

همه کسانی که خود را از منتظران واقعی حضرت می دانند، بایستی ضمن تبیین دین، فرهنگ عاشورا و بسیج را تبیین کنند و با الگوسازی؛ اقدام به جذب نیرو و تبلیغ نمایند. باید با توجه به عامل تنش زدایی، جامعه را آماده حرکت به سمت شناخت و معرفت امام کرد.

۱. تبیین فرهنگ عاشورا

اگر عاشورا پشتوانه فرهنگی «انتظار» است، پس باید در جهت تبیین حرکت عاشورا و نیز برگزاری هر چه با شکوه تر مراسم عاشورا و معرفی اسوه های جاویدان آن، تلاشی دوچندان کرد.

۲. تبیین دین

عصر حسین علیه السلام، عصر غربت دین بود و عصر انتظار نیز چنین است. قیام حسین علیه السلام و فرزندش مهدی علیه السلام برای احیای دین است.

منتظر مهدی علیه السلام، باید از دین، ضرورت، قلمرو، و زبان آن و... تحلیلی عمیق داشته باشد تا در این عصر، بتواند زمینه ساز حرکت مهدی عجل الله تعالی فرجه باشد.

۳. الگو سازی

حسین علیه السلام و یارانش الگوی منتظرانند، از این رو باید در مبانی فکری و ویژگی های رفتاری و تربیتی آنان، درنگی شایسته کرد.

۴. معرفت امام

کسانی میتوانند شعار خود را «یا لثارات الحسین» قرار دهند که به مقام «ابوت با امام» رسیده باشند تا بتوانند خون خواه او باشند این، ممکن نیست مگر با معرفت به حق امام علیه السلام. شعار «یا لثارات الحسین» فقط یک شعار برخاسته از عواطف و عصبیت های قومی و نژادی نیست، بلکه برخاسته از معرفت به حق «ولایت امام» است. این معرفت، شناخت حسب و نسب و فضایل آنان نیست، بلکه عرفان به حق ولایت آنان است.

۵. عزت

«عزت» اساس حرکت حسینی و مهدوی است و می تواند اساس سیاست راهبردی حکومت دینی در سطح روابط بین المللی باشد. حکومت دینی- به عنوان زمینه ساز دولت کریمه مهدوی، از هر گونه رابطه و مذاکره های که شائبه ذلت داشته باشد، پرهیز میکند. منتظر «دولت عزیز» (تُعَزُّ بِهَا الْإِسْلَامَ وَ أَهْلَهُ)، خود باید عزیز باشد. امام حسین علیه السلام هم می فرمود: «هَيْهَاتَ مِنَّا الذِّلَّةُ»

کربلا

چه کربلاست کز او بوی مشک می آید
هنوز ناله زلب های خشک می آید

چه کربلاست از آن ناله ی رباب آید
صدای ناله لالایی علی بخواب آید

چه کربلاست که سقای آن شده بیدست
عدو زکینه سرش با عمود کین بشکست

مگر به کربلا آب قیمت جان است
چرا نگفته کسی این حسین مهمان است

چرا به تشنه لبان هیچ کس جواب نداد
به کام تشنه شان یک دو جرعه آب نداد

چه کربلاست علی اکبر اربا اربا شد
شهید کینه به پیش دو چشم بابا شد

چه کربلاست که چون نام کربلا ببرند
فلک به ناله ملک در خروش می آید

نعیم



حکومت مهدوی

هم رعایت می‌شود. انصاف و جوان‌مردی در جامعه رونق صد چندان می‌گیرد؛ به طوری که همه در امن و آسایش خواهند بود. همه بر هوای نفس چیره شده و شیطان مغلوب خواهد شد. شبهات از بین خواهد رفت و همه یک حقیقت را خواهند پذیرفت. درک آیات قرآنی همانطوری خواهد بود که می‌بایست و تلاش پیامبر(ص) سالها به خاطر آن بود. مسائل و آیات قرآن و حتی حروف مقطعه برای ما روشن خواهد شد. زمین به آرامش خود برمی‌گردد و ثمرات و ذخایر و منابع خود را به بهترین نحو در اختیار بشر قرار می‌دهد. از لحاظ فرهنگی و سیاسی و اقتصادی جامعه به عالیترین درجه خواهد رسید. قانون دنیا بر محوریت و مختصات قرآن و بر پایه دستورات امام عصر (عج).

زهراکارچانه

به نام خدایی که شما را آفرید تا کسی بی یار و یاور و رهبر نماند.

از نام موضوع پیداست که درباره‌ی حکومتی می‌خواهیم سخن بگوییم که وارثش مهدی (عج) است. وقتی از حکومت مهدوی سخن به میان می‌آید همه در مورد وضع دنیا در زمان او سوالهای متعددی می‌پرسند، که اندکی از آن در بعضی آیات قرآن و برخی دیگر در دعای عهد و ادعیه مربوطه و تعداد بی‌شماری آیات و روایات و منابع متعدد ذکر شده، که خلاصه آن این است که در وهله اول بساط شرک و کفر در آن حکومت از بین می‌رود و همه به خدای یگانه ایمان خواهند آورد. اسلام دین کل جهان می‌شود و دیگر از مذاهب و فرقه‌های گوناگون خبری نیست. عقل بشری به کمال رشد خود خواهد رسید و درهای علوم بشری به روی انسانها باز خواهد شد. اکثر مشکلاتی که وابسته به پیشرفت علوم خواهد بود برچیده خواهد شد، فکر و اندیشه بشر به کمال شکل می‌گیرد و ایشان حاکم کل دنیا می‌شوند و قاضی و هدایت کننده و راهنما خود ایشان هستند. در داوری و عدالت اجتماعی هم، همه چیز به دستان نیرومند ایشان به مردم می‌رسد. مالکیت و سهم هرکس بر پایه عدالت مشخص می‌شود، آنقدر که عموم مردم بی نیاز می‌شوند. همه‌ی بلاها به عمران و آبادانی می‌رسد، فقر ریشه کن می‌شود، امنیت در بالاترین حالت خواهد بود. همه از حاکم، که آن مهربان است، رضایت دارند و محبوب قلوب هستند در حکمیت. و خلاصه اینکه آن مدینه فاضله‌ای که سالها عرفا و صالحین انتظارش را می‌کشیدند و چشم فقیران و مستمندان به حقیقت پیوستن آن رویا بود و همچنین مومنین حضرت، خون دلها خوردند برای تحقق این آرمان به وقوع می‌پیوندند.

ان شاء الله به ظهور حضرت حجت(عج) چشمتان منور شود. میرسد. همه خردمند می‌شوند و فرق بین حلال و حرام و تمامی احکام، هم مشخص می‌شود، هم فهمیده خواهد شد و

غروب جمعه خسته و درمانده با کوله باری از دلتنگی و انتظار آمدن آقایی که در راه است در می زند؛ در بساطش چیزی جز مرهم همیشگی اشک، برای التیام دل درمانده یافت نمی شود...

سرانجام قصه سبز دنیا، نیامدی
این جمعه هم گذشت، تو اما نیامدی
پشت پنجره ی اتاق می ایستم و هم نفس با ترانه های بارانی که
زمین را غبار رویی می کند با تحفه ای که غروب جمعه برایم
به ارمغان آورده زیارت آل یاسین می خوانم و مشغول پرستاری
دل می شوم...
دلی که سالهاست در هجران ظهور قربیت می سوزد، و چشم
انتظار به فردا و فردا های آینده دوخته است...
دلی که در میان تمام ناامیدی ها تنها امیدش آمدن آقایی
ست که منتهای تمام آرزو های دست نیافتنی بشر است...
مولایی که یک روز با آمدنش رنگ سیاه ظلم و جنگ را از
صفحه ی روزگار پاک میکند و زمین را به رنگ عشق و صلح
مزمین می کند...

حال این دنیای ما رو به تباهی می رود
روز روشن بی شما سوی سیاهی می رود

اما تمام ترسم از روزی ست که جهان به قدوم آقا متبرک شود
و در رنگ نگاهم گناه و شرمساری باشد...
از روزی که انبوه گناه پایم را برای استقبال مولایم سست
کند، و به جای اینکه راه فرج را برایش هموار کنم، در جاده ی
ظهورش سنگ بیندازم...
باری چشم امید می دوزم به تلافی و مهربانی خالق و معبود بی
مثالم که توفیق دهد در راه خوشحالی مولایم گام بردارم و در
زمره ی کسانی باشم که کنار مولایم باشم نه در مقابل آن...

سازا بندی

صاحب امتیاز:

کانون مهدویت دانشگاه اراک

مدیر مسئول:

محمد مهدی سلیمانی

سر دبیر و طراح:

کوثر سلیمی

ویراستار:

فاطمه حمزه لو

